



چگونه بد سخنرانی کنیم؟!

پدیدآورده (ها) : موگهی، عبدالرحیم

میان رشته ای :: پیام :: بهار 1386 - شماره 82

از 161 تا 166

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/341792>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی

تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

چگونه بد سخنرانی کنیم؟!..... عبدالرحیم موگهی (شمیم)

برای این که بد سخنرانی کنیم و سخنوری ناموفق باشیم به گونه‌ای که برای جلسات و مراسم سخنرانی، از ما کم‌تر دعوت کنند و با اصلاً دعوت نکنند، باید به ۲۰ نکته زیرین خوب توجه و عمل نماییم. پس سخنور بد باش تا کامروا شوی.

۱. از برگزار کنندگان مراسم سخنرانی تان نپرسید که به چه مدت باید سخن بگویید و به هر مدتی که خودتان تشخیص می‌دهید، سخنرانی کنید. اصلاً به دیگران چه کار که بخواهند در امور فنی و حرفه‌ای شما دخالت کنند؟

۲. مخاطب‌شناسی در هنر سخنوری اهمیت ندارد. پس طبق نیازهای مخاطبان خود سخنرانی نکنید و هر چه را قبلاً مطالعه و فیش برداری کرده‌اید، همان‌ها را برای مخاطبان خویش بیان کنید. به طرز مثال، اگر آنان به مطالب اخلاقی یا تربیتی نیاز دارند، شما از مسائل اقتصادی یا سیاسی برای آنان سخن بگویید. اصولاً در فن سخنرانی، قائل به ربط نباشید.

۳. به آراستگی ظاهر و چهره خویش توجه نکنید و آن را نادیده بگیرید؛ زیرا در سخنرانی، فقط محتوای خوب سخن مهم است، نه آراستگی ظاهر سخنران. پس با موهای نامرتب و شانه نکرده، کفش‌های واکس نزده، لباس‌های اتو نکرده و وصله خورده، دهان مسواک نزده، بدن و جامه نامطبوع و نانظیف به سخنرانی پردازید و به سخنانی همچون «خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد»، اهمیت ندهید.

۴. برای سخنرانی‌هایتان مطالعه نکنید، مخصوصاً اگر در فن سخنوری دارای سابقه و تجربه بسیاری هستید؛ زیرا مطالعه پیش از سخنرانی، برای سخنران‌های مبتدی است نه برای شما که راه‌ها و روش‌های نو و پیشرفته در گردآوری مطالب و ارائه هر چه جذاب‌تر محتوای سخن را به مخاطبان خود کاملاً می‌دانید و از سخنان و مطالب جدید و به روز اطلاع دارید.

۵. فقط به فکر این باشید که مطالب خوب و مفیدی را جمع‌آوری کنید و در اختیار مخاطبان خود بگذارید. دیگر به فکر این نباشید که همین مطالب خوب و مفید را چگونه و با چه روشی بیان کنید که برای شنوندگانتان جذاب‌تر و بر آنان تأثیرگذارتر باشد. سخن در پی آمده را هرگز سرلوحه این فعالیت‌های خویش قرار ندهید: «فقط خوب بودن پیام مهم نیست؛ بلکه خوب رساندن پیام نیز مهم است».

۶. در سخنوری، فقط به مطالب و چیزهایی که «باید» بگویید فکر کنید و به مطالب و چیزهایی که «نباید» بگویید فکر نکنید، حتی اگر شبهه‌انگیز یا ضد عقل و یازمانده از دین و مکتب باشند. پس کلاً این جمله را در امر سخنوری فراموش نمایید: «سخنران موفق فقط کسی نیست که می‌داند چه چیزهایی را باید بگوید، بلکه کسی است که می‌داند چه چیزهایی را هم نباید بگوید».

۷. در سخنرانی، از هر دری سخن بگویید و از این شاخه به آن شاخه بپرید و بعد هم به شنوندگانتان بگویید که *الکلامُ یَجْرُ الکلام* و حرف، حرف می‌آورد. اساساً به تنظیم و دسته‌بندی مطالب و مدیریت اطلاعات و در اختیار گرفتن معلومات خویش اهمیت ندهید. کار نداشته باشید که از نظر روانشناسی و از جهت آموزشی، مطالبی که تنظیم و دسته‌بندی شده‌اند، زودتر و آسان‌تر آموخته می‌شوند و در ذهن و حافظه انسان جای می‌گیرند.

۸. هر چه آیه و حدیث و شعر و مانند آن مطالعه و حفظ کرده‌اید، همان‌ها را پشت سر هم و حتی بدون هرگونه دسته‌بندی و ترتیبی برای شنوندگانتان بخوانید و هیچ‌گونه نکته و تحلیلی درباره آن‌ها بیان نکنید. مهم فقط نقل و روایت و گزارش است، نه عقل و درایت و پژوهش.

۹. سخنان خود را با کلمات و جملاتی زیبا بیان نکنید؛ زیرا هر چه پیش آید، خوش آید. تازه، مگر چند نفر از شنندگان دقت می‌کنند کلمات و جملاتی که شما به کار می‌برید،

زیباست و حتی از سخنان بسیاری سخنوران دیگر نیز زیباتر است و تأثیری غیر مستقیم و لطیف بر آنان می‌گذارد؟ مثلاً به جای این که جمله‌ای زیبا و بدین صورت بگویید: «نباید با دنیا بسازیم؛ بلکه باید دنیا را بسازیم»، بگویید: «ما باید به مردم دنیا آموزش دهیم و آنان را تربیت کنیم و نباید تسلیم وضع موجود در دنیا شویم.»

۱۰. در سخنرانی‌های خویش تنوع نداشته باشید و به صورت یکنواخت و طوماری و اتوبانی سخنرانی کنید، حتی اگر خستگی و خمیازه کشیدن و پلک روی هم گذاشتن را در مخاطبانان مشاهده کردید. چه کسی گفته است که سخنران، برای ایجاد تنوع در سخنرانی‌های خود، باید گاه از شعر یا داستان یا امثال و حکم یا سخنان بزرگان دین و دانش یا خاطره و تجربه‌های خود و دیگران یا نکته‌های نغز و پرمغز یا آمار و اخبار یا اطلاعات عمومی یا مطالب علمی و یا لطیفه‌های پندآموز استفاده کند؟

۱۱. نوآوری در هنر سخنوری را کنار بگذارید و به همان حرف‌ها و مطالب تکراری و باسِمه‌ای بسنده کنید، حتی اگر متاع سخن و بازار سخنرانی کساد و کلیم‌کاشانی در این باره نیز سروده باشد: «گر متاع سخن امروز کساد است کلیم / تازه کن طرز که در چشم خریدار آید». مثلاً در جایی که می‌خواهید بگویید انسان‌ها برای نشان دادن توانایی‌ها و ویژگی‌های خویش نباید از خودشان تعریف کنند؛ بلکه باید خود توانایی‌ها و ویژگی‌هایشان معترف آن‌ها باشد، دوباره و چند باره به این سخن سعدی استشهاد کنید: «مُشک آن است که خود بپوید؛ نه آن که عطار بگوید» و از آن دست بردارید و مثلاً به سخن دیگر سعدی در همین زمینه که کم‌تر به آن استشهاد می‌شود، اشاره نمایید: «اگر هست مرد از هنر بهره‌ور / هنر، خود بگوید نه صاحب هنر» و یا از سخن سعدی‌گونه زنده‌یاد سلمان هراتی نیز یادی نکنید: «بهار آن است که خود بپوید؛ نه آن که تقویم بگوید».

۱۲. در سخنرانی‌های خویش، فقط کلی‌گویی کنید و از پرداختن به جزئیات و مثال‌ها و مصداق‌های عینی و کاربردی آن در جامعه خودداری ورزید؛ زیرا ذکر مثال و مصداق و جزئیات، سخنرانی شما را نزد بزرگان و اهل فضل و دانش، غیر علمی و کم‌ارزش نشان می‌دهد. به طور مثال بگویید که دروغ، کاری ناپسند و حتی از نظر دینی حرام است، ولی به مصداق‌ها و نمونه‌های آن در اجتماع، مانند خالی‌بندی و یا درخواست دوبرابر و غیر واقعی

نیازهای اداره از رئیس اداره به جهت عادت همیشگی رئیس در موافقت با ۵۰٪ نیازها، اشاره نکنید و درباره این که دو مصداق مذکور، آیا حرام هستند یا نه، سخنی نگویید.

۱۳. هر سخنی و به ویژه سخنان مشهور را از هر کسی و به ویژه آدم‌های مشهور که شنیدید، بدون این که به منابع معتبر و دست اول مراجعه و درباره درستی یا نادرستی آن‌ها تحقیق کنید، برای دیگران و مخاطبان خویش نقل نمایید و به جمله «رُبَّ مَشْهُورٍ لَا أَصْلَ لَهُ؛ بس سخنان مشهوری که اصل و پایه‌ای ندارند»، گوش نکنید. مثلاً به شنوندگان خود بگویید که حضرت امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «انقلاب ما انفجار نور بود» و دیگر درباره انتساب این سخن به ایشان مطالعه و تحقیق نکنید که سخن مذکور از ایشان نیست و از یاسر عرفات و با عبارتی دیگر است.^۱

۱۴. اگر سؤال و شبهه‌ای را در زمینه معارف دینی مطرح کردید، پاسخ آن را ندهید و به بعد موکول کنید. و به آثار سوء و منفی این کار توجه نداشته باشید که حتی ممکن است بی پاسخ گذاشتن آن سؤال و شبهه، کسی یا کسانی را از دین بیرون کند و به بیراهه و کژراهه بکشانند و مسئولیت شرعی آن نیز به عهده شما باشد. پس به این سخن اصلاً توجه نکنید: «فقط طرح شبهه مهم نیست؛ بلکه رفع شبهه نیز مهم و حتی از آن مهم‌تر است».

۱۵. برای اثبات سخنان خویش و حتی حقانیت دین اسلام، به خواب‌هایی که خودتان دیده‌اید و یا دیگران دیده‌اند، استناد کنید. اساساً کار نداشته باشید که آیا خواب حُجَّتْ دارد یا نه؟ اسلام دین خواب است یا دین بیداری؟ پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) برای اثبات سخنان خویش و حقانیت دین اسلام به خواب‌های خود و دیگران استناد می‌کردند یا نه؟ و در تاریخ اسلام، تاکنون چند مورد از استناد به خواب را در سیره پیشوایان و بزرگان دین دیده‌ایم؟

۱۶. درباره چگونگی شروع سخنرانی، هیچ نیندیشید و هیچ مشورتی با دیگران نکنید. چه کسی گفته است که شروع سخنرانی از ادامه و پایان آن مهم‌تر است و باعث می‌شود که شنونده را بر جایش میخکوب کند و به ادامه گوش دادن به سخنان شما تشویق نماید؟ مثلاً چه لزومی دارد پیش از حضور در مجلس سخنرانی و سوگواری برای عزیز از دست رفته‌ای فکر کنید که آیا سخنرانی خویش را با سخنی از پیشوایان دینی یا بزرگان علمی یا قصه و خاطره‌ای از آن عزیز و یاسر و ده‌ای متناسب با او آغاز نمایید و کدام یک از این آغازها با آن

عزیز و با شرکت کنندگان در مجلس سوگ او مناسب‌تر و جالب‌تر و جاذب‌تر است؟ حتی اگر شروع با شعر و سروده را مناسب‌تر می‌دانید، نیندیشید که سخنرانی خود را در جلسه مذکور با کدام یک از این سروده‌ها آغاز کنید:

دیده از دیدار خوبان برگرفتن مشکل است

هر که ما را این نصیحت می‌کند بی‌حاصل است...

گر به صد منزل فراق افتد میان ما و دوست

همچنانش در میان جان شیرین منزل است

(سعدی)

شربت‌ی از لب لعلش نچشیدیم و برفت روی مه پیکر او سیر ندیدیم و برفت

گویی از صحبت ما نیک به تنگ آمده بود بار بر بست و به گردش نرسیدیم و برفت

(حافظ)

۱۷. از کلمات قلبیه و سلنیه و حرف‌های پرستیژ دار استفاده کنید، حتی اگر مخاطبانتان معنای آن کلمات و مفهوم آن حرف‌ها را متوجه نشوند. مگر نگفته‌اند: «مردم، سخنوری را با سواد و با کلاس می‌دانند که حداقل، یک سوم حرف‌های او را نفهمند؟» مثلاً به آنان نگویید: «مطالب سخنرانی این جانب با استفاده از کتاب‌ها و منابع معتبری شکل گرفته است که به آن‌ها اشاره خواهم کرد»؛ بلکه این گونه بگویید: «در فرایند هستی‌پذیری مطالب سخنرانی‌ام، رفرنس‌های معتبری را از رؤیت خویش گذرانده‌ام که به آن‌ها اشارت خواهم نمود».

۱۸. به تلفظ درست کلمات و به ویژه نام‌های خاص دقت نکنید؛ زیرا این گونه امور از مسائل بسیار جزئی و سطحی است که کسی به آن‌ها توجه نمی‌کند و اهمیت نمی‌دهد. در فن سخنوری فقط باید به مسائل کلی و کلان توجه کرد و اهمیت داد. حالا اگر سخنوری به جای این که درست تلفظ کند و بگوید: «گمان، نکات، حاتم طائی، نیکلسون، کارنگی، شهاب الأخبار، مُنتَهی‌الآمال»، به غلط بگوید: «گمان، نکات، حاتم طائی، نیکلسون، کارنگی، شهاب الأخبار، مُنتَهی‌الآمال»، مهم نیست و کسی به این غلط‌کاری‌های جزئی گیر نمی‌دهد.

۱۹. اگر مطلبی را به صورت اشتباه بیان کردید، به اشتباه خود اقرار و اعتراف نکنید و در صدد اصلاح آن بر نیایید؛ زیرا نتیجه اقرار و اعتراف به اشتباهات خویش، همان سبک

کردن و تحقیر نمودن و بی‌سواد نشان دادن خود و از دست دادن اعتماد شنوندگان به خویش است. به طور مثال، چنانچه گفتید: «بادمجان بم آفت ندارد» و بعداً متوجه شدید درست این مثل آن است که گفته شود: «بادمجان بد آفت ندارد»، چه ضرورتی دارد که به این اشتباه خود اعتراف کنید و آبروی علمی خویش را نزد مخاطبانتان ببرید؟

۲۰. در پایان سخنرانی خویش به جمع‌بندی سخنان خود و نتیجه‌گیری از آنها نپردازید؛ زیرا چه کسی گفته است نتیجه سخن و آخرین پیام سخنرانی، پایدارترین و ماندگارترین مطلبی است که در ذهن و حافظه شنوندگان جای می‌گیرد؟

این سخن را ترجمه‌ی پهنآوری گفته آید در مقام دیگری



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی